

«وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بَخِيرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

سوره انعام، آیه ۱۷

اگر خداوند زبانی به تو برساند هیچ کس جز او نمی تواند آنرا برطرف سازد و اگر خیری به تو برساند او بر همه چیز تواناست.

«الشرك أخفى في امتي من ديب النمل»

علی الصفا»

در امت من شرک از راه رفتن مورچه بر سنگ خارا پوشیده تر است.



ماهنامه کانون جهادگران جهاد سازندگی، سال دوم، شماره ۱۸، شهریور ماه ۸۸

ISSN: 2008-3521



## جهاد سازندگی مبتکر کارهای بزرگ

...جهاد سازندگی یکی از تدبیرهای برجسته و ماندگار امام بزرگوار (ره) و یادگار ارزنده ایشان است. مجموعه عظیم و سازمان بزرگ جهاد سازندگی یکی از بزرگترین امتحانات را داده است و جهادگران سازندگی در طول بیست سال گذشته همواره پیشرو و مبتکر انجام کارهای بزرگ بوده‌اند و اکنون نیز جهاد سازندگی باید علاوه بر تداوم بخشیدن به سازندگی کشور تلاش خود را برای تربیت مغزهای فعال و دست‌های کارآمد و نیز سازندگی مدبران لایق و شخصیت‌های برجسته مضاعف کند.

۷۷/۷/۱۵



## حصر آبادان و جاده وحدت

نگارش: مهندس محسن امیریان  
بعد از بازگشت از سفر شناسایی جاده آبادان جلسه ای در جهاد سازندگی اهواز با مسولیت جهادگر شهید طرحی و با حضور جمعی از مسئولین اکثر جهاد های مستقر در اهواز برگزار شد و پس از مباحث زیاد مقرر گردید نام جاده، وحدت تعیین و مسئولیت با شهید شهشهبانی و تقسیم کار بین جهادهای مستقر منطقه باشد و مسئولیتی هم به جهاد خراسان و مسولیت خاصی هم در خارج از کارگاه به اینجانب واگذار گردید و آن هم تهیه مخلوط از سمت دزفول و رامهرمز جهت روکش نهایی جاده بود.  
با بررسی هایی که برای زمان بندی تحویل جاده داشتیم به این نتیجه رسیدیم که هر روز حداقل باید ۲۰۰ سرویس کمپرسی ده تن، مخلوط برای جاده تحویل گردد که قطعا در سال اول جنگ چنین ظرفیتی در جهاد وجود نداشت. برای اولین مرتبه تصمیم بر این شد که از مردم منطقه بهره گیری نماییم و کمپرسی مورد نیاز را اجاره کنیم. جهت این مهم به اتحادیه کمپرسی داران اهواز رفتیم. مسئول اتحادیه با رویی خوش استقبال خوبی از حقیر کرد و پس از یک ساعت مذاکره به نتیجه خوبی رسیدیم و قرارداد منعقد شد و مقرر گردید هر روز حداقل ۲۰۰ سرویس کمپرسی مخلوط در محل دپوی جاده وحدت تحویل گردد (با توجه به فاصله بسیار زیاد مراکز تهیه مخلوط دزفول و رامهرمز) هر کمپرسی بیش از یک سرویس نمی توانست در یک روز انجام دهد. به خیر و خوشی کار شروع شد و هر روز بیش از ۲۰۰ کمپرسی به محل جاده تحویل می شد و من هر روز کنترل می کردم. یک روز متوجه شدم ۸۰ کمپرسی، روز بعد ۵۰ کمپرسی و روز سوم ۲۴ کمپرسی مخلوط به محل دپو تحویل شده بود. به شدت ناراحت شدم. ظهیر به سمت اهواز رفتم. ساعت یک و نیم رسیدم و به دفتر اتحادیه در طبقه دوم رفتم. بیش از حد ناراحت بودم. در مسیر پله ها تا بالا رانندگان اهوازی در کنار پله ها نشستند بودند. غرغر کنان بالا می رفتم تا رسیدم به ادامه در صفحه ۲

## ای ماه خوب خدا، رمضان!

صدای پای تو در پیچ کوچه ها پیچید و هزار پنجره نجیب زمینی، از عطر آسمانی ات سرشار شدند. نبض زندگی، تندتر تپید و ثابیه های زمان آسیمه سر به احترام آمدنت یک دقیقه سکوت کردند. تو آمدی و عطر قرنفل های وحشی «عبودیت» را با رایحه شب بوهای سحری آشتی دادی و کبوتران احساس مأذنه ها را در صمیمیتی ابدی به پرواز واداشتی. چه قدر بی تو زندگی سرد است و خون گرم حیات در کالبد خسته زمانه، جاری نیست!

چه قدر بی حضور تو، آسمان آبی دل های ما میل به تیرگی دارد و زنگار آینه هامن، دست نخورده باقی می ماند!

اگر تو همه ساله نیایی، در پرده های هزار توی غبار و غفلتی سترگ، برای همیشه از یاد ابدیت خواهیم رفت و خزه های فراموشی، رد پای حیاطمان را از نگاه آسمان، محو خواهد کرد.



ای مسیح دل های مرده، و ای مژده بخش دیده های افسرده! بر این سنگ شدن های دیرگامان رحم کن. دل ها و دیدگانمان در معرض هجوم طوفان های بنیان کن حرص و حسد و جهل و غرور است. آه، کجاست آرامش سپید پس از طوفان؟!  
بیا، پس بیا از کوچه کوچه حیاطمان بگذر و نگاه عاشقانه ات را چونان بارانی اساطیری بر عمر بی برمان بباران! ما را به اصل «عاشقانه زیستن» بازگردان و دستان مهربان فرشتگان لاهوتی را در دستان خالی از صفایمان، بنشان!  
بیا و ما را به کوهپایه های ملکوت بران! ببین چگونه سیلاب گناه، سیل بند تقوایمان را در هم شکسته است!  
آه، که چقدر در کار خود فرومانده ایم و از گشودن گره های کوچک دیگران نیز، عاجزیم!  
روز مرگی چنان در بند خویشمان کرده است که آغاز و انجام خود را از یاد برده ایم و سیاره سرگردان وجودمان، جز در مدار بهتی عظیم نمی گردد!  
بیا و ما را از این گرداب بلعنده سرگیجه و التهاب به در آور و نشانمان ده که در آن سوی این کائنات، چشمی مهربان، نگران لحظه لحظه زندگی ماست و این بوی خوشی که گاه گاه در مشام جان خسته ما می نشیند و اندوه شیرین آسمانی شدن را در کام تلخ ذایقه زیستمان می پراکند، رایحه ای از گلستان همیشه سبز (ان الی ربک المنتهی) ست.  
بیا و ببین هزار پنجره نجیب زمینی از عطر آسمانی ات سرشار شده اند!  
ای مهربان تر از ما به ما!  
تو می آیی و «لیله القدر» نگاهت، روزهای سیاهمان را روشنی خواهد بخشید.  
عطر تسبیح و دعا و نماز از جانمان وجودمان بال خواهد گشود.  
قرآن بزرگ، بر جاری لحظه های زندگی ما به تبسمی شیرین، خواهد نشست و بهاری مانا از برهوت باورمان، سربر خواهد آورد.  
آه، ای ماه خوب خدا، رمضان!  
تقی متقی

## جهاد سازندگی همراه با جهاد اکبر



شما آقایان هم که در جهاد سازندگی هستیند توجه کنید که جهاد سازندگی، سازندگی باشد، در آن تخریب نباشد، در آن انحراف نباشد. اگر جهاد سازندگی در آن انحراف نباشد و برای خدا باشد این همان جهادی است که همراه با جهادی اکبر هم هست.  
من ضمن تقدیری که از تمام شما جوانان سر تا سر کشور که در جهاد سازندگی هستیند و زحمت می کشید، دارم، لکن از شما می خواهم که ضمن جهاد سازندگی جهاد نفس هم داشته باشید.

۵۹/۳/۲۷



## اولویت های بخش کشاورزی

فعالیت دولت دهم از شهریور ماه ۸۸ شروع می شود. تحقق انتظارات مردم در چارچوب سند چشم انداز توسعه و سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه کشور (ابلاغی مقام معظم رهبری)، نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری مناسب دولتمردان در ابعاد مختلف می باشد. توسعه متعادل و مطلوب کشور، پیشرفت متوازن همه بخش های اقتصادی را می طلبد اما به دلیل ویژگی های بخش کشاورزی و ریسک بالا در فعالیت های آن و تأثیرات حوادث غیر مترقبه و شرایط اقلیمی و دخالت دولت ها در کنترل قیمت محصولات کشاورزی در راستای امنیت غذایی، این بخش نیازمند حمایت ویژه می باشد. و به همین دلایل کشورهای جهان برای ایجاد تعادل در بخش های مختلف اقتصادی سالیانه رقم قابل توجهی را برای حمایت از این بخش اختصاص می دهند. بر اساس یک برآورد تقریبی روزانه بیش از دو میلیارد دلار با وجود مقررات WTO کمک های مستقیم و یارانه ها به این بخش توسط کشورهای مختلف جهان صورت می پذیرد.  
بخش کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران با وجود پیشرفت های چشمگیری آن پس از انقلاب اسلامی نتوانسته جایگاه واقعی خود را در نظام اقتصادی کشور بیابد. این بخش با داشتن حدود ۲۵ درصد اشتغال و حدود ۱۴ درصد ارزش افزوده کشور را به خود اختصاص داده است و این بدان معناست که در آمد سرانه شاغلین این بخش به نسبت شاغلین بخش های دیگر اقتصادی بسیار پایین است و باید برای کاهش این فاصله چاره اندیشی کرد تا انگیزه کافی برای ورود جوانان تحصیل کرده به فعالیت های کشاورزی و توسعه سرمایه گذاری در این بخش فراهم گردد.  
بدیهی است که در این سرمقاله امکان بیان ابعاد اهمیت این بخش و استعدادها و ظرفیت های آن و نقش امنیت غذایی در زندگی سیاسی، اجتماعی و بهداشتی مردم و چالش ها و مشکلات اساسی آن وجود ندارد. لکن به ادامه در صفحه ۲

## برگزاری دومین همایش کانون جهادگران استان یزد

### ادامه سرمقاله

صورت کلی و اجمالی به برخی از عناوین مهم مرتبط با توسعه بخش کشاورزی که از اولویت بیشتری برخوردارند اشاره می‌شود.

امید است دولت محترم دهم و وزیر محترم جهاد کشاورزی به منظور نیل به جایگاه پیشرفت و عدالت که هدف نظام اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی می باشد به آنها توجه لازم را معطوف و استراتژی لازم را برای رسیدن به اهداف، طراحی و اجرا نمایند.

عناوین موضوعاتی که در راستای توسعه بخش کشاورزی و توسعه روستاها از اولویت برخوردار می باشند عبارتند از:



الف: توجه به منابع انسانی بخش به عنوان اصلی ترین و مهم ترین سرمایه برای ایجاد تحول و پیشرفت در بخش ب: ایجاد هماهنگی در آموزش های دانشگاهی و بازار کار در بخش کشاورزی با تأکید بر آموزش های کاربردی ج: ایجاد انگیزه های لازم برای سرمایه گذاری بیشتر در بخش (سودآوری و امنیت)

د: توجه به مقوله توسعه روستایی به عنوان مقدمه توسعه کشاورزی و تعیین متولی توسعه روستایی در کشور

ه: تقویت تشکل های بخش کشاورزی و مشارکت دادن آنها در برنامه ریزی و سیاستگذاری های بخش و: برنامه ریزی مناسب برای اصلاح الگوی مصرف مواد غذایی در کشور

ز: ارتقای سلامت تولیدات بخش کشاورزی و برقراری سیستم نظارت بر باقیمانده های سموم و داروهای دامی در محصولات کشاورزی

ح: توسعه صنایع تبدیلی، تکمیلی و نگهداری محصولات کشاورزی و توسعه مکانیزاسیون مناسب به منظور کاهش ضایعات در بخش کشاورزی

ط: استقرار فرهنگ تحقیقات مشتری مدار و ایجاد نظامی کارآمد و مستمر برای شناسایی و معرفی دانش و فناوری های نوین برای توسعه بخش کشاورزی

ی: ایجاد نظام جامع فنی مهندسی غیر دولتی در بخش کشاورزی و الزامی نمودن استفاده از خدمات مهندسیین ناظر در کلیه فعالیت های بخش کشاورزی

ک: برنامه ریزی مناسب برای کنترل بیلان منفی سفره های آب زیرزمینی و توسعه فعالیت های آبخیزداری به منظور تعادل بخشی سفره های زیرزمینی و حفاظت از منابع آب و خاک

ل: برنامه ریزی های مناسب در جهت ارتقای بهره وری عوامل تولید به ویژه آب

م: ایجاد نظام مناسب تعرفه در راستای حمایت از تولیدات داخلی

ن: حمایت از فعالیت های حفاظت، احیاء و توسعه جنگل ها و مراتع و ارتقای جایگاه تشکیلاتی سازمان مربوطه

س: ایجاد سازوکارهای قانونی به منظور پوشش کامل تأمین اجتماعی (درمانی، بیکاری، بازنشستگی و از کار افتادگی) روستاییان و کشاورزان

ع: ارتقای جایگاه بخش کشاورزی در برخورداری از یارانه مناسب و کافی در طرح هدفمندی یارانه ها (افزایش یارانه های تولید نسبت به یارانه های مصرف).

دومین همایش کانون جهادگران استان یزد با محوریت فرهنگ و مدیریت جهادی در تاریخ تیرماه سال ۸۸ در یزد برگزار شد. بنا به پیشنهاد حوزه نمایندگی ولی فقیه این همایش همراه با همایش فرهنگ و مدیریت جهادی به صورت همزمان و مشترک اجرا شد. در این همایش پس از تلاوت کلام الله مجید سید عباس هاشمی مدیر کانون جهادگران استان یزد پس از خیر مقدم به حضار به تبیین تشکیلات کانون جهادگران و برنامه های مصوب در حال اجرای کانون استان یزد پرداخت. وی ضمن گرامیداشت سی امین سالگرد تأسیس جهاد سازندگی به فرمان حضرت امام (ره) در اشاره به اقدامات فرهنگی کانون اعلام کرد: احیای نمادین و گسترده نام جهاد سازندگی در استان اولین نتیجه فعالیت های مقدماتی کانون جهادگران و از جمله اقدامات تبلیغاتی در این عرصه است که امید است با استفاده از بسترهای موجود، در نظام اجرایی و برنامه ریزی جهاد به عنوان متولی موضوع توسعه روستایی ظاهر گردد. وی افزود در این عرصه جهادگران به عنوان سیاستگذار می توانند مبدأ هماهنگی بخش های مختلف باشند.

وی پیگیری امور فرزندان اعضاء به خصوص در بخش آموزش و تحصیل و فعالیت های مشاوره ای برای خانواده ها و استفاده از تجارب ارزنده بازنشستگان را از ضروریات فعالیت کانون دانست و اضافه کرد تدوین تاریخ جهاد استان از جمله برنامه های در دست اجرای کانون است. وی آغاز به کار کمیته رفاهی و اقتصادی و تقویت فعالیت های جاری در حوزه های سازمانی و شرکتهای کارمندی و تشکیل کمیته روستایی و برگزاری اردوهای جهادی را از دیگر فعالیت های کانون و روشی برای حفظ نام و فرهنگ جهادی دانست و خواستار حمایت همه جانبه اعضاء کانون شد.

## اطلاعیه در خصوص تدوین کتاب اندیشه های جهادگران

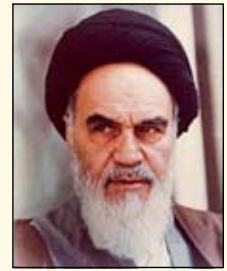
در راستای ضرورت ثبت تاریخ جهاد سازندگی و توجه به فرهنگ جهادی، کانون جهادگران طرح تدوین کتاب اندیشه های جهادگران را در دستور کار خود قرار داد. این طرح نظرات، فعالان و پیشکسوتان جهادگر در قالب پاسخ به بیش از ۶۰ پرسش گردآوری خواهد شد که شرح و چگونگی مشارکت علاقمندان، در ذیل این اطلاعیه قابل دسترسی است. کانون جهادگران ضمن استقبال از نظر، انتقاد و پیشنهاد علاقمندان، از تمام فعالان و پیشکسوتان برای شرکت در این طرح دعوت به عمل می آورد. جهادگران و سایر علاقمندان می توانند به منظور دسترسی به اطلاعات بیشتر و پاسخگویی به سوالات مربوطه به پایگاه اطلاع رسانی کانون جهادگران جهاد سازندگی به نشانی [www.kanoonejahadgaran.ir](http://www.kanoonejahadgaran.ir) مراجعه نمایند.

## ادامه مطلب حصر آبادان و جاده وحدت

میز دفتر رئیس اتحادیه. گفتیم: چرا سرویس ها را کم کرده اید؟ گفت: دستور رئیس جمهور (بنی صدر خائن) است. پرسیدیم: رئیس جمهور چرا چنین دستوری صادر کرده است؟ گفت: رئیس جمهور گفته است جبهه ... اکبر واجب تر از آبادان است. گفتیم: او که متوجه نیست ولی شما چرا عمل کردی؟ او جواب های بی می داد و من مرتب به او پر خاش می کردم و چندین جمله هم با ناراحتی و اندوه به او گفتم.

رئیس اتحادیه کامیون داران رنگش پریده بود که ناگاه ناراحتی ام به اوج رسید و با استرس زیاد فریاد زدم اگر فردا از کمپرسی های طرف قرارداد یک دستگاه کم شود طور دیگری برخورد خواهیم کرد و به سرعت از دفتر خارج شدم و از فردا وضع مرتب شد و هر روز حداقل ۲۰۰ سرویس کمپرسی حامل مخلوط به سمت جاده آبادان رسید تا شهید سید محمد شهباشی خوشحال و به این ترتیب کار را به موقع تحویل داد. (روحش شاد) و این جاده استراتژیک زمینه ساز اولین پیروزی بزرگ رزمندگان اسلام شد.

روح تمام شهدای بزرگ این جاده سرنوشت ساز پر فتوح باد.



## از بلندای عرفان

\* مرتبه دوم نفس - که پس از عبور از نفس اماره در اثر شناخت آن و تلاش برای مهار آن تحقق می یابد - «نفس لواحه» یعنی نفس ملامت کننده نامیده می شود. قرآن کریم نفس لواحه را این گونه معرفی می نماید:

«لا اقسیم بیوم القیامه و لا اقسیم بالنفس اللوامة»

«سوگند به روز قیامت و سوگند به نفس و روحی که بشر را درباره ارتکاب گناه ملامت و سرزنش می کند.» (۱)

\* نفس لواحه برخلاف نفس اماره که وسوسه و ترغیب به معاصی می کند و فرمان به انجام مفاسد و گناهان مختلف می راند از ارتکاب گناه نهدی می کند و آدمی را مذمت و سرزنش می نماید که در بیراهه های معصیت گام نسپرد و خود را به مهلکه تباهی و خسران نیفکند و در مواردی که انسان به دلیل طی نکردن مراحل کامل خودسازی و رشد معنوی گاهی به دام گناه می افتد پی در پی او را سرزنش می نماید و همین سرزنش هاست که از تکرار معاصی مانع می شود. در واقع «نفس اماره و وسوسه گر» آدمیان را به صورت لجام گسیخته به فساد و گناه می افکند و غرایز سرکش و شهوات و تمایلات و خودخواهی های انسان را آزاد و رها به تاخت و تاز در میدان و صحنه های حیات فردی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی وامی دارد و هیچ محدوده شرعی و عقلی و قانونی را نمی پذیرد و از همین روست که فسادها خیانت ها قتل ها و جنایت ها و سرقت ها و نمانی ها و تعدی و تجاوزات به حریم زندگی افراد و گروه های اجتماعی به وقوع می پیوندد. لکن «نفس لواحه و ملامتگر» سعی در کنترل غرایز و مهار شهوات و تمایلات سرکش انسان ها دارد و به ارزش ها و هنجارها احترام می گذارد و حریم زندگی افراد و گروه ها را پاس می دارد و از هر نوع معصیت و گناه در اخلاق فردی سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی و مطبوعاتی نهدی می نماید و به تدریج آدمی را به کسب معرفت و شناخت نسبت به نفس اماره و آفات و خطرات آن آشنا و آگاه می کند و به حرکت در مسیر پاکی ها و آوار می نماید.

\* سومین و عالی ترین مرتبه نفس - که با ترک ردایب اخلاقی و اتصاف به فضایل اخلاقی حاصل می شود - «نفس مطمئنه» نام می گیرد. یعنی نفسی که در اثر مجاهدات و مراقبات و تزکیه و تهذیب و زدودن زنگارهای هر رفتار و عمل ناصحیح از آئینه جان به اطمینان و تقرب ناشی از پاکی و تقوا و وارستگی و تقرب نائل می آید.

قرآن کریم این گونه از نفس مطمئنه و به آرامش و امنیت رسیده یاد می نماید:

«الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مطمئنون»

\* کسانی که به پروردگار ایمان خالص و راسخ آوردند و ایمان خود را به ظلم و ستم های گوناگون نیالودند برای آنان امنیت و آرامش و اطمینان است و هم آنان هدایت یافتگان می باشند. (۲)

\* همچنین قرآن کریم به زیبایی هر چه تمامتر این گونه روح انسان نائل آمده به «نفس مطمئنه» را مخاطب قرار می دهد و به حضور در محفل قرب الهی و بهشت و جنت جاپودان و نعمت های بی کران خداوند دعوت می نماید:

«یا ایتهالنفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلنی جنتی»

«ای نفس و روح به اطمینان و آرامش کامل رسیده بازگرد به سوی پروردگار خویش که تو خشنود (به نعمت های ابدی او) و او راضی از (اعمال نیک و صالح) توست. باز ای و در صف بندگان خاص من در ای . و در بهشت و رضوان من داخل شو.» (۳)

می کنند؛ زیرا لا دینَ لَمَن لا عقلَ له.

اگر بخواهیم محیط خانه گرم و با صفا و صمیمی باشد، فقط باید صبر و استقامت و گذشت و چشم پوشی و رأفت را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد.

### آرامش

به چیزی غیر از توکل و یاد خدا برای انسان، آرامش حاصل نمی شود. و چیزی غیر از اعراض از یاد خدا و غفلت، زندگی را تلخ و ناگوار نمی کند.

خداوند ایمان کسانی را که در گرفتاری ها ثابت قدم بمانند، تقویت می کند تا هیچ ابتلائی آنها را از پا در نیاورد و با ایمان و ذکر و انس با خدا از دنیا بروند.

بارها گفته ام، و بار دیگر می گویم: کسی که بداند: «هر که خدا را یاد کند، خدا همنشین اوست»، احتیاج به هیچ وعظی ندارد. هیچ ذکری بالاتر از ذکر عملی نیست. هیچ ذکر عملی، بالاتر از ترک معصیت در اعتقادات و عملیات نیست.

اگر ما به اندازه ای که بچه به مادرش اطمینان دارد به خداوند اطمینان داشتیم، و می دانستیم که هر چه از او بخواهیم می دهد، هیچ مشکلی نداشتیم و همه کارها ایمان درست می شد.

### غذای شبهه

خوردن غذای شبهه ناک و نیز غذای کسی که از حرام پرهیز ندارد، هر چند جایز است؛ ولی انسان را مریض و از عبادات محروم می کند و یا سبب سلب توفیق می شود.

خدا می داند که غذا چقدر در ایمان و کفر و اعمال خیر و شر انسان مدخلیت دارد!

دلیل عقب ماندگی ما آن است که اموال شبهه ناک مصرف می کنیم و مال شبهه ناک، ایجاد تردید و شبهه می کند!

### پروا و پرهیز

کمال انسان به تقواست، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر. اگر جلوی خود را در ارتکاب معاصی نگیریم، حاملان به انکار و تکذیب و استهزای آیات الهی، و یا به جایی می رسد که از رحمت خدا ناامید می شویم!

اگر خدا را همه جا حاضر و ناظر ببینیم، چگونه باید باشیم؟! در برابر ذاتی که جدایی او از ما محال است، چگونه باید باشیم و مرتکب معاصی نشویم؟! هر قدر این درک حضور تقویت شود، انسان محفوظ تر و مأمون تر است، و هر قدر تضعیف شود، مصونیت او کمتر است! عملاً ایمان ببندیم که: در راه خدا باشیم و عزم بر خلاف نداشته باشیم و به گناهان صغیره نزدیک نشویم.

گاهی به مطالب و دستورات روشن و آسان شرعی که می دانیم، عمل نمی کنیم؛ و آنگاه نزد آسائید معرفت و اخلاق و تربیت می رویم و تقاضای ذکری سنگین تر و مطالبی بالاتر از آنچه لازم داریم می کنیم... این، علامت آن است که نمی خواهیم از راه صحیح، بالا برویم و به کمالات و درجات عالی معنوی برسیم!

عاشق مقامات عرفانی و کرامات نباشید، گاهی این جور کارها شما را به جهنم می برد!

### مرگ

از گذشتگان عبرت بگیریم که ما همه مثل آنها به مرگ نزدیکیم و چهار روز باقیمانده عمر را گمان نکنیم که چهارصد هزار سال خواهد بود! وقتی که روح انسان به عالم دیگر رفت، می فهمد این همه تشریفات در دنیا لازم نبود!

**سئوال:** برای رفع تنبلی و کسالت در عبادات چه باید کرد؟  
**جواب:** در اوقات نشاط، مشغول به عبادت مستحبه شوید، و در اوقات کسالت، اقتصار بر واجبات نمایید!

**سئوال:** تصمیمات اخلاقی می گیرم، بعد از مدتی عزم سست می شود و شکست می خورم، چه کنم؟

**جواب:** یک دقیقه خود را در یاد خدا دیدید، اختیاراً خود را منصرف نمایید، و به انصراف و غفلت غیراخباری، اهمیت ندهید!



## درس هایی از آیت الله العظمی بهجت (ره)

### نماز

نماز، بالاترین وقت ملاقات و استحضار و حضور در محضر خدا است... نماز برای خضوع و خشوع جعل شده است با همه مراتب خضوع و خشوع.

قرب مراتبی دارد و بالاترین آن لقاء است و هر مرتبه از مراتب قرب را مقربتی است که بالاترین آنها نماز است.

باب رسیدن به کمالات و لقاءالله مفتوح است. حیف نیست این مراحل را که از راه بندگی حاصل می شود، نداشته و از آنها محروم باشیم؟! شاید حکمت تکرار نماز - علاوه بر تثبیت - سیر باشد؛ به این نحو که هر نمازی از نماز قبلی بهتر و نماز قبلی زمینه ساز نماز بعدی باشد.

اصلاح نماز، مستلزم اصلاح ظاهر و باطن و دوری از منکرات ظاهری و باطنی است.

احساس لذت در نماز، یک سری مقدمات خارج از نماز دارد و یک سری مقدمات در خود نماز. آنچه پیش از نماز و در خارج از نماز باید مورد ملاحظه باشد و عمل شود، این است که: انسان گناه نکند و قلب را سیاه و دل را تیره نکند... و معصیت، روح را مکدر می کند و نورانیت دل را می برد و در هنگام خود نماز نیز انسان باید زنجیر و سیمی دور خود بکشد تا غیر خدا داخل نشود یعنی فکرش را از غیر خدا منصرف کند.

معیار اصلی، نماز است. نماز، بالاترین ذکر است، شیرین ترین ذکر است، برترین چیز است... همه چیز تابع نماز است؛ باید سعی کنیم این نماز را حساسی درستش کنیم... وقتی نماز درست شد، انسان آدم شده است. بالاخره محک

نماز است. چقدر تناسب دارد تکبیر برای ورود به نماز و تسلیم برای خروج از آن! در تکبیر، اکبر مناسب است؛ یعنی تمام امور دنیا و همه بزرگترها را کنار بگذارید؛ چون خداوند متعال اکبر است نمازگزار با تکبیر، در حرم الهی وارد می شود. در روایت است که: اگر نمازگزار می دانست از جلال الهی چه چیزهایی او را فرا گرفته است، هرگز از نماز روی بر نمی گرداند!

نماز به منزله کعبه است؛ و نمازگزار در کعبه و حرم امن الهی داخل شده و بنا گذاشته است که از باب تکبیر، داخل و از باب تسلیم، خارج شود. به اندازه ای طالب معرفت و هدایت در رسیدن به مقصد و یافتن او، و به داخل شدن در محضر قرب و معرفت نزدیک است، که گویا به او می گویند: رسیدی، داخل شو!

### حضور قلب

حضور قلب با نوافل و عبادات مستحبه تحصیل می شود و از آن جمله تبدیل فرادا به جماعت است. تحصیل حضور قلب به این می شود که در اوقات غفلت به خود فشار نیاورد؛ و در اوقات حضور اختیاراً آن را از دست ندهد. یکی از عوامل حضور قلب این است که: در تمام بیست و چهار ساعت باید حواس خود را کنترل کنیم؛ زیرا برای تحصیل حضور قلب، باید مقدماتی را فراهم کرد! باید در طول روز، گوش، چشم و همچنین سایر اعضا و جوارح خود را کنترل کنیم. باید در تقویت حضور قلب در هر موقع در عبادت، کوشا باشیم؛ و به آثار در یقظه یا نوم کار نداشته، جز مزید علم و مزید انس به عبادت.

### عمل به یقین

اثمه ما علیهم السلام به ما یاد داده اند که: به یقینیات عمل کنیم و هر جا یقین نداشتیم، توقف و احتیاط نماییم. هیچ کاری نیست که احتیاط در آن پشیمانی در پی داشته باشد. آنچه می دانید، عمل کنید؛ و در آنچه نمی دانید، احتیاط کنید تا روشن شود و اگر روشن نشد، بدانید که بعضی معلومات را زیر پا گذارده اید. اگر به چیزی ظن و گمان داشته باشی و آن را به صورت یقینی بیان کنی، همین دروغ محسوب می شود!

### کار خیر

خوب است که انسان اسم خود را در هر کار خیر بنویسد و خود را شریک گرداند؛ زیرا فردای قیامت معلوم نیست کدام قبول و کدام رد می شود!

خدا کند که مادیات برای ما وسیله باشند، به گونه ای که وقتی امور دنیوی به ما اقبال کردند، سبب تاکید و اقبال ما به امور معنوی و آخرت گردند. انسان می تواند به اختیار خویش همنشین سلمان یا ابوجهل گردد!

چه خوب است انسان، عبادت و کار خیر که انجام می دهد، بگوید: کاری نکردم؛ اما کار نیک و خوبی که از دیگران دید، بگوید: چقدر کار بزرگی انجام داده است!

اعمال صالح با آدم می ماند و آدم این ها را از این جا تا روز قیامت، تا ما بعد القیامه، با خودش می برد. اعمال صالح انسان، فانی نمی شود!

### نور عقل

با نور عقل می توان فروغ و اصول دین را اثبات نمود. کسانی که با قواعد و استدلال عقلی مخالفند، از بی دینی ترویج





## یادی از جهادگر شهید حسام دوست فاطمه فرمانده گردان مهندسی امام صادق (ع) جهاد سازندگی استان فارس

### ره یافتگان وصال

رضای خداوند متعال و به امر او راضی و تسلیم باشد و نیز معتقد بود که صبر و استقامت انسان را به مقام اعلا می رساند.

مقید بودند که نماز را در اول وقت بالاخص با جماعت بر گزار کنند. آخرین باری که با او صحبتی داشتم تماس تلفنی بود که به او گفتم فروردین ماه به شیراز بیاید. اول گفتند: نمی توانم بعد از آن گفتند: اگر بشود دهم اردی بهشت ماه به شیراز می آیم ولی در همان ماه شیمیایی شدند. « شهید دوست فاطمه از منطقه جنوب به غرب اعزام شد و در آن فوران و شدت بمباران های شیمیایی رژیم بعث عراق بر حلبچه و مناطق عملیاتی والفجر (۱۰) ایشان هم در مقر خودشان در منطقه شیمیایی شدند و به کرمانشاه انتقال داده شده و سرپایی مداوی نسبی شدند ولی به علت مسئولیتی که در منطقه داشتند حاضر نشدند برای استراحت به عقبه برگردند و مجدداً به منطقه عملیاتی برگشتند.

این اسوه مدیریت و فعالیت برای بار دوم شدیداً شیمیایی شدند و این بار به یزد و سپس به تهران انتقال داده شدند و در تاریخ ۶۷/۱/۱۸ ساعت ۱۳:۴۰ دقیقه در بیمارستان لبابی نژاد قفس تن را شکست و به بارگاه ملکوتیان پر کشید.

از سردار شهید ما وصیت نامه ای به دست نیامده لیکن سخنانی در آخرین لحظات زندگی دنیایی اش در بیمارستان به برادر بزرگوارش فرموده است که آن را به عنوان وصیت نامه شفاهی در اینجا می آوریم:

پزشکان بیمارستان وضع جسمانی حسام را در بدترین وضعیت تشخیص داده بودند و ما به عینه می دیدیم که حتی تنفس برایش مشکل بود اما با وجود این وقتی به او می گفتم: چه چیزی نیاز داری؛ حاجت چیست؟ می گفت: امام را دعا کنید؛ رزمندگان اسلام را دعا کنید. حتی یکبار ایشان نگفت: دعا کنید خدا مرا شفا دهد تا از دردم کاسته شود. برای خودش حرفی نداشت.

در آن لحظات آخر به مساله همبستگی و وحدت و برادری اشاره می کردند و شبی که فردای آن روز به شهادت رسیدند یکی از برادران محترم روحانی به ملاقات ایشان آمده بودند و پس از گفت و گو با ایشان، حسام از این برادر روحانی قول گرفت که از امام امت تقاضا کنید که در روز قیامت شفیق من بشود.

عشق و علاقه زیادی به امام امت داشت و حتی در آن لحظات آخر ذکرش امام بود و یاد امامش از یاد او نرفت. همواره ذکرگویان بود تا به منتهای آرزوی خویش که شهادت بود، رسید. نام و یاد جهادگر شهید حسام دوست فاطمه فرمانده گردان مهندسی امام صادق (ع) جهاد سازندگی استان فارس و تمامی شهدای والامقام جهاد سازندگی در هشت سال دفاع مقدس گرامی باد.

حالی که جنگ ما دریایی و عملیات ما آبی - حاکی بود این واحد از اهمیت شایانی برخوردار بود. عده ای از مسئولین گردان مهندسی جنگ جهاد سازندگی فارس به فیض عظیم شهادت نائل گشته بودند و با پیشنهاد فرماندهی محترم قرارگاه کربلا، ایشان به فرماندهی گردان مهندسی انصار فارس منصوب شدند. بارها این مطلب را می گفت: من نمی خواهم مسولیت را بپذیرم؛ ولی شرم و حیا و احترامی که برای فرمانده قرارگاه کربلا قائل هستم مانع می شود که از پذیرش مسولیت ها امتناع نمایم.

طبیعی است هر کس به کار و مسولیت جدیدی وارد بشود با محدودیت ها و مشکلاتی روبه رو می شود. ولی ایشان آنقدر توان بالایی داشت که طی مدت کوتاهی جای خودش را باز کرد و در اطراف شمع وجودش پروانه هایی مشغول پرواز شدند و جهاد سازندگی فارس در عملیات ها درخشش خوبی داشت.

جهادگر دیگری در وصف او می گوید: « یکی از ویژگی های ایشان پذیرش کار بود. در هیجانات و شلوغی عملیات والفجر (۱۰) فرماندهی منطقه امر کرده بود که گردان تحت امر او سریعاً برای انجام ماموریت جدید باید به غرب اعزام شود. ۲۴ ساعت از زمان ابلاغ این دستور در اهواز نگذشته بود که ایشان اولین اکیب های تحت امرش را سریعاً با وسایل سنگینی به غرب اعزام کرد و این حاکی از اعمال مدیریت و شایستگی ایشان بود. در شخصیت شهید دوست فاطمه بحث لطافت و صلابت را همه جا می توانیم پیدا کنیم. در مقابل کفار صلابتی عظیم داشت و لطافتش این بود که به انسانیت انسان ها ارج می نهاد مثلاً وقتی در واحد جذب و سازماندهی بود نیروها را جمع می کرد و به محل مورد علاقه اشان اعزام می کرد و این امور به دور از حوصله هر انسانی است و ایشان با دو بال صلابت و لطافت سیر می کرد. البته نه تنها با دشمن صلابت داشت بلکه در هر کاری که به مورد جدی برخورد می کرد و جایی که باید حرفش را بزند، می زد و وظیفه شرعی و الهی خود را ادا می کرد.

همسر محترمه شهید دوست فاطمه هم این گونه می گوید: « در تاریخ ۶۲/۱۰/۱۸ با هم ازدواج نمودیم. ازدواجمان بسیار ساده ولی پرمحتوا بود. از همان اوایل زندگی مان برای من خیلی خوب و روشن شده بود که ایشان از چه روحیه والایی برخوردار بودند. با خانواده خود، با بنده و با همه کسانی که با آنها معاشرت داشت با اخلاق اسلامی رفتار می کرد و چیزی که در زندگیش نمود بارزی داشت این بود که اگر حرفی را می زد خود عامل آن بود. بسیار به احکام و شرایع اسلام مقید بودند و معتقد بودند که انسان در هر حال و هر زمان باید به

حسام دوست فاطمه در سال ۱۳۴۰ در شهر شیراز چشم به جهان گشود. از آنجا که در خانواده ای مومن و متدین متولد شده بود، از همان ابتدای کودکی، فطرتی آرام و مهربان داشت. دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه تا رسیدن به دیپلم را با موفقیت در زادگاهش به سر آورد و به دانشگاه راه یافت.

او قداست نوجوانی را همراه معارف اسلامی حفظ و سپری کرد و در تهذیب و دور بودن از اخلاق رذیله کوشید و نگذاشت محیط مسموم طاغوت گرد ریا و ناهنجاری بر دامن پاکش بنشاند. می

با آغاز حرکت انقلاب اسلامی، با تجربه های فراوانی که داشت، در تنظیم و تشویق جوانان و راه اندازی راهپیمایی ها، حضوری موثر و فعال داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی او که سال های زندگی را به امید چنین روزهایی طی کرده بود، از آرزوهای گذشته و با بر فرق راحتی ها و آسایش ها نهاده و دیگر سر از پا نمی شناخت و به راستی انسان وارسته ای بود.

در حال و هوای انقلاب اسلامی، شب ها چون سربازی، به پاسداری می پرداخت و از ایده و مرام انسانی و انقلابی و خون شهیدان و درد پدران و اشک مادران را پاس می داشت. این حرکت مردمی را، این معجزه بزرگ قرن را، این حاکمیت نوپای اسلامی را، خوب می فهمید و به ریشه هایش فکر می کرد، و در رساندن پیام آن، تلاشی بی اندازه داشت. وقتی که آتش جنگ تحمیلی از ناحیه حزب بعث عراق زبانه کشید و مرزهای جنوب و غرب ایران اسلامی را درنوردید؛ او با همه توان به عرصه کارزار گام نهاد. همه فعالیت هایش را متوقف کرد و به دفاع مقدس و مسایل آن پرداخت.

یکی از همزمان این شهید بزرگوار می گوید: « شخصیت والای ایشان در عملیات والفجر (۸) ظاهر شد. بیشتر فرماندهان و مسولین پشتیبانی جنگ با رشادت ها و دلوری ها و استعدادهای شگوفای ایشان آشنا شدند و همان عملیات والفجر (۸) آغاز حرکت و انتقال ایشان به قرارگاه کربلا بود که مسولیت جذب و سازماندهی را در سال ۶۵ به عهده گرفتند.»

او جنگ را با انگیزه انتخاب کرده بود و آماده بود در هر جایی که نیاز جنگ را می تواند برآورده کند، انجام وظیفه نماید. به همین لحاظ با پشتکار عجیبی که داشت و آن علاقه ای که در وجود شهید بود و ارتباط خوبی که توانست با دانشگاه شیراز برقرار کند، فعالیت چشمگیری از خود نشان داد و توانست یک نظم و سازمانی به نیروهایی که به جهاد سازندگی می آمدند، بدهد.

پس از آن مسولیت امور جهادگران را پذیرفت و بنا به ضرورت جنگ به سمت واحد یگان دریایی منصوب شد. در

**میلاد مسعود دومین ستاره  
تابناک آسمان امامت و ولایت،  
کریم اهل بیت (س)  
حضرت امام حسن مجتبی (ع) را  
تبریک عرض می نمایم.**

**تفکر جهادی؛  
تجلی ابتکار، خلاقیت، لیاقت و ایفای  
مسئولیت تا شهادت در همه عرصه ها**

**دعوت به همکاری**

از کلیه علاقمندان به ویژه جهادگران عزیز دعوت می شود به منظور غنای خبرنامه و همچنین تحقق اهداف کانون، مقالات، خاطرات و پیشنهادات خود را به آدرس کانون ارسال فرمایند. بدیهی است پس از بررسی و پذیرش آثار ارسالی نسبت به چاپ آنها اقدام خواهد شد.

ISSN: 2008-3521

**کانون جهادگران جهاد سازندگی**  
مدیرمسئول: خدکرم جلالی  
سرمدبیر و مدیر اجرایی: علیرضا کیهان پور  
نشانی: تهران، خ فلسطین شمالی، کوچه رهبان،  
ساختمان شهید عزیز پور، پلاک ۳۰  
تلفن: ۸۸۸۰۶۹۶۰  
تلفکس: ۸۸۹۲۶۸۸۶  
www.kanoonejehadgaran.ir  
لیتوگرافی و چاپ دفتر خدمات تکنولوژی آموزشی  
نشر آموزش کشاورزی